



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار پرسنل نیروی هوایی - 18 / بهمن / 1384

بسم الله الرحمن الرحيم

خاطره ی نوزده بهمن يك خاطره ی افتخاربرانگیز است. جوانان نیروی هوایی - چه همافران، چه افسران و چه درجه داران - آن روز يك کار عاشورایی کردند (شما جوانهای عزیزی که در این جلسه هستید، وزن و اهمیت آن کار را در آن دوران تعیین کننده و عجیب، شاید نتوانید درست حدس بزنید.) و این کار عاشورایی نه فقط آن روز، بلکه در طول دوران بیست و هفت ساله، به يك نقطه ی اثرگذار و شعاع آفرین تبدیل شد.

نیروی هوایی در طول این سال ها در صفوف مقدم همه ی کارهای افتخارآمیزی که از نیروهای مسلح انتظار می رفت، قرار گرفت. در دوران دفاع مقدس، نیروی هوایی در بخش آفند و پدافند کارهای درخشانی کرد. من نمی دانم آیا شما جوانان عزیز از تاریخچه ی فعالیت های نیرو در این دوران پُرماجرا مطلع هستید یا نه، اما همین قدر بدانید که برترین مجاهدت هایی که در يك دفاع مقدس ممکن است برای يك نظامی پیش بیاید، در نیروی هوایی پیش آمد و دلاوران نیروی هوایی از عهده ی آن برآمدند. باید این مسائل دقیق، امانتدارانه و به دور از مبالغه - احتیاج به مبالغه نیست ؛ واقعیات آن قدر شگفت انگیز و آن قدر با عظمت است که هر چشم دل و هر بصیرتی را به خود متوجه می کند - در اختیار نسل جوان گذاشته شود.

در عرصه ی سازندگی هم اولین بخش از ارتش که جهاد خودکفایی را به معنای حقیقی کلمه در خود ایجاد کرد، نیروی هوایی بود. بنده از نزدیک در جریان فعالیت های جهاد خودکفایی در نیروی هوایی و در سایر سازمان های ارتش بودم، که کارهای باارزشی را انجام داده اند. میل به استقلال، میل به این که ارتشی ایرانی و مسلمان بتواند سر خود را بالا بگیرد و به نیروی ذاتی خود افتخار کند، اول در این نیرو بود که سر کشید و به کارهای بزرگ و باارزشی منتهی شد و گره هایی را باز کرد.

امروز شما کارکنان نیروی هوایی - نظامیانی که در این بخش مهم مشغول فعالیتید - جایگاه خودتان را درست بشناسید. نیروی هوایی بسیار مهم است ؛ به يك معنا تعیین کننده است. امروز بخش پدافند شما جزو مؤثرترین بخش های همه ی دستگاه های نظامی کشور برای دفاع از عزت، استقلال و سربلندی ملت ایران است، که جز با همت و اراده و اعتماد به نفس و توکل شما به خدا و کار خستگی ناپذیرتان، این قله های بلند را نمی شود فتح کرد. يك روز نیروی هوایی با آن کار بزرگ خود در بیست و دو بهمن، تحول را در مجموعه ی کشور به وجود آورد. شاید آن جوان هایی که آن روز آمدند، نمی دانستند که چه کار مهمی انجام می دهند - يك ایمان، يك عشق آنها را به میدان کشانده بود - اما کار آنها بشدت در کل حرکت انقلاب تأثیرگذار بود. بنابراین، هر بخشی از بخش های نیروهای مسلح و بیرون از نیروهای مسلح، می توانند در مواقع خاصی بشدت اثرگذار باشند. به خود اعتماد کنید، از نیروی درونی و ذاتی خود استفاده کنید و بدانید که شما می توانید بخش خودتان را با اراده و ابتکار و نوآوری و فعالیت خودتان، در سطح بالا، وسیله ی عزت ملت خودتان قرار بدهید ؛ می شود ؛ تا حالا هم امتحان کرده ایم و شده است. کار سازماندهی شده، منظم، با اعتماد به خود، و با حفظ آن انضباط دقیق و ظریف نظامی، و با اخلاص، و با توکل به خدا ؛ در همه ی قسمت های شما يك چنین کاری با این روح و با این جوهر و حقیقت، می تواند تأثیرات بزرگی را بگذارد.



ماجرای عاشورا هم درس است؛ درس اقدام و نهراسیدن از خطرات و وارد شدن در میدان های بزرگ. آن تجربه با آن خصوصیات و با آن دشواری، از عهده ی حسین بن علی (علیه السلام) برمی آمد؛ از عهده ی دیگری بر نمی آمد و بر نمی آید؛ لیکن در دامنه ی آن قله ی بلند و رفیع، کارهای زیاد و نقش های گوناگونی هست که من و شما می توانیم انجام بدهیم.

ملت ما را در طول سال های متمادی به يك ملت وابسته تبدیل کرده بوند؛ ملت ما را با تبلیغات پیوسته، از فرهنگ خود، از اعتماد به خود تهی کرده بوند؛ ملت ما را به خود بی اعتماد و ناامید کرده بوند. ملتی با این سابقه ی تاریخی، در این موقعیت حساس جغرافیایی، با این همه استعداد انسانی و طبیعی نهفته ی در این سرزمین، تبدیل شده بود به وسیله ای برای استفاده و بهره برداری قدرت های بیگانه؛ مدتی انگلیس، بعد هم امریکا؛ اما این انقلاب ما را بیدار کرد؛ ما را به خود آورد؛ این همان حرکت عاشورایی بود. این اقدام بزرگ، سرنوشت و راه ما را عوض کرد. ما امروز در راه عزت، در راه استقلال، در راه استفاده از استعدادهای طبیعی و انسانی خودمان حرکت می کنیم و پیش رفته ایم و دنیا هم تا حدود زیادی به این اعتراف کرده و آن را قبول کرده است؛ چاره یی ندارد؛ اما ما باید این راه را ادامه بدهیم. هیچ ملتی با تنبلی و تن آسایی نخواهد توانست به عزت برسد. رسیدن به استقلال، رسیدن به عزت ملی، رسیدن به کرامت انسانی، برای يك ملت هزینه دارد، که باید این هزینه را متحمل شد و باید تلاش کرد؛ باید به عاقبت کار، امیدوارانه و واقع بینانه نگاه کرد، که يك نگاه واقع بینانه، امید به انسان خواهد بخشید. این دشمن است که می خواهد شما را مأیوس کند. هر بخشی از بخش های کشور وظیفه یی دارند؛ نیروهای مسلح، ارتش جمهوری اسلامی، نیروی هوایی، وظایف ویژه ی خودشان را دارند؛ باید این وظایف را با دقت و با پیگیری و اهتمام انجام دهند.

مسایلی امروز در دنیا مطرح است که برای ما حایز اهمیت است. می بینید درباره ی توانایی فنی و علمی ملت ایران، دستگاه سلطه و استکبار چه جنجال و سراسیمگی از خود نشان می دهد. این هیاهویی که بر سر مسأله ی هسته یی راه انداخته اند، از روی سراسیمگی است؛ دستپاچه اند. دستگاه سلطه نمی خواهد؛ نمی پسندد که غیر از محدوده ی خودشان، قدرت فناوری و قدرت علمی، آن هم به صورت مستقل و ناوابسته، در اختیار ملت ها قرار بگیرد. حالا که می بینند يك ملت بدون تکیه به آنها توانسته است يك فناوری فاخر علمی را به دست بیاورد، ناراحتند. به دروغ، رئیس جمهور امریکا و دیگران، مرتب از سلاح اتمی اسم می آورند؛ این برای توجیه موضع خشمگینانه ی خودشان هست؛ والا می دانند که در این جا مسأله، مسأله ی سلاح اتمی نیست؛ مسأله ی استقلال يك ملت است. آنها مجامع جهانی را هم زیر نفوذ خودشان می گیرند و مجامع جهانی، یکی پس از دیگری، آبروی خودشان را بر اثر نفوذ آنها از دست می دهند. معاهده ی عدم توسعه ی سلاح های اتمی را - که معروف به معاهده ی «ان پی تی» است - خود غربی ها نوشتند، خودشان هم روز شنبه آن را مچاله کردند؛ از حیث ارتفاع آن را ساقط کردند! چرا ملت ها بایستی تسلیم اراده ی کسانی باشند که جز به اعمال زور و اعمال سلطه، به چیز دیگری راضی نیستند؟ آنها برای ملت ها، برای علم و برای اخلاق در سطح بشری، هیچ ارزشی قابل نیستند. این ندای ملت ایران و پیام انقلاب ما به ملت ها - ملت های مسلمان و غیرمسلمان - است: حرکتی که جمهوری اسلامی کرده، يك حرکت کاملاً همراه با اتمام حجت است. در طول دو سال و نیم، نظام جمهوری اسلامی همه ی راه های بهانه گیری اینها را بست و هر جا سوءظنی داشتند، وسیله ی رفع سوءظن آنها را فراهم کرد. بنابراین، در پایان کار، ناگزیر شدند اعلام کنند که مسأله، سوءظن به ساخت سلاح هسته یی نیست، بلکه مسأله، فناوری هسته یی است!



آنها می خواهند ملت ایران این فناوری را نداشته باشد؛ یعنی وابسته و عقب باشد، تا فاصله ی بین ملت های سلطه گر و دیگر ملت ها هرگز کم نشود. معلوم است که این حرف، برای ملت ایران قابل شنیدن نیست؛ قابل تحمل نیست. این ملت را با دورانی که سفیر امریکا و سفیر انگلیس در تهران با محمدرضا شاه می نشستند و می گفتند و او ناگزیر بود عمل کند و عمل می کرد، نمی شود مقایسه کنند؛ آن دوران، گذشت.

امروز این ملت، وسط میدان آمده است؛ امروز مسؤولان ملت، مظهر اراده ی مردم و مظهر خواست این ملتند و باید مظهر اقتدار این ملت هم باشند. اگر مسؤولانی بر سر کار باشند که نتوانند اقتدار ملی و عزت این ملت را نشان بدهند، نماینده ی این ملت نیستند. اقدام رئیس جمهور محترم در صدور بیانیه و دستور به سازمان انرژی اتمی، درست همان چیزی بود که متناسب با عزت و اقتدار این ملت بود. خوشبختانه آنچه که مسؤولان در طول این مدت و امروز تصمیم گرفته اند، متکی به کار کارشناسی و متکی به عقبه ی دوراندیش و خبره و وارد در مسائل سیاسی بین المللی و مسائل فنی است؛ می فهمند چه کار می کنند و درست عمل کرده اند. آن کسانی که منتظرند ملت ایران از خود ضعف نشان بدهد، بدانند که ملت ایران در مسیر عزت و اقتدار ملی و استقلال خود، در مقابل هیچ تهدیدی ضعف نشان نخواهد داد. و تجربه ی بیست و هفت ساله ی ما، تجربه ی انقلاب، تجربه ی دوران دفاع مقدس و تجربه های بعدی، همه، همین حقیقت را به ما تفهیم می کند و برای ما تکرار می کند که اقتدار ملی این کشور و این ملت را نباید دست کم گرفت.

قدرت های سلطه گر، ابزار زیاد و گزینه های متعددی در اختیار ندارند؛ استکبار با تشر راه خود را باز می کند. مهمترین ابزار استکبار، تشر و اخم است. اگر دولت های اسلامی، دولت های جهان سوم و ملت ها قدر قدرت خودشان را بدانند، این ابزار ناکارآمد خواهد شد. ملت ایران قدر خود را دانسته است.

مسأله ی مهمتر، مسأله ی رسواکننده ی تمدن غربی در زمینه ی آزادی بیان است. این حرکت زشت اهانت به نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله)، از همه مهمتر است. این قضیه، لیبرال دمکراسی بی که غرب، پرچم آن را سر دست گرفته است و به آن افتخار می کند، رسوا می کند. آزادی بیان - که آنها دم از آن می زنند - به آنها اجازه نمی دهد که در باب افسانه ی کشتار یهودیان - معروف به هلوکاست - کسی تردید بکند. در آن قضیه، جای آزادی بیان نیست! در کشورهای اروپایی، افراد زیادی - از دانشمندان و محقق و مورخ و مطبوعاتی و غیره - از ترس جرأت نمی کنند تردیدی را که نسبت به این قضیه در دل شان هست، ابراز کنند. بعضی ها هم معتقدند قضیه از اصل دروغ است، اما جرأت نمی کنند بگویند؛ چون دیده اند هر کس بگوید، مجازات خواهد شد؛ زندان می اندازند، تعقیب می کنند، از حقوق محروم می کنند؛ اما اهانت به مقدسات یک میلیارد و نیم مسلمان - آن هم بی دلیل، بدون این که دعوایی در بین باشد؛ بدون این که این طرف اهانتی به آنها کرده باشد - مجاز است و مشمول آزادی بیان! مسأله بر سر آن مطبوعات یا کاریکاتوریستی نیست که صهیونیست ها پولی به او داده اند که کاریکاتوری بکشد - با اهداف پلیدی که صهیونیست ها دارند - و او هم کشیده، بلکه مسأله بر سر زمامداران اروپایی است که از این کار دفاع می کنند و پشت سر این عمل پست و سخیف قرار می گیرند و به عنوان آزادی بیان، آن را مجاز می شمردند! من حدس می زنم که اصل قضیه، توطئه ی عمیق صهیونیستی است. مسأله، مسأله ی رو در رو قرار دادن مسلمانان و مسیحیان است؛ چون برای صهیونیست ها این مسأله، بسیار حایز اهمیت و لازم است که جامعه ی عظیم اسلامی را در سرتاسر عالم در مقابل مسیحی ها و مسیحی ها را در مقابل مسلمان ها قرار بدهند.



آن روزی که رئیس جمهور امریکا از دهنش پرید - بعد از قضیه ی یازده سپتامبر - و گفت جنگ صلیبی شروع شده و بعد که فهمیدند اشتباه کرده اند و نباید می گفتند و بنا کردند به رُفو کردن، آن روز کسی به «نکته»ی قضیه توجه نکرد، که این «جنگ صلیبی» چیست. جنگ صلیبی، جنگ ملت های مسیحی و ملت های مسلمان است. آنها می خواهند مقدمات آن را فراهم کنند، که ملت ها را به جان هم بیندازند. هم مسلمانان عالم، هم مسیحیان عالم، باید خیلی هشیار باشند، تا بازیچه ی دست این سیاستمداران خبیث نشوند.

چند سال قبل، یکی از سران اروپا در ملاقات با من، صحبت از جنگ مسیحی و مسلمان کرد! من حساس شدم؛ با این که آن شخص، آدم چندان وزینی نبود و نیست، لیکن چون مرتبط و متصل با امریکا و پیرو آن کشور بود، این حرف، من را حساس کرد؛ و امروز می بینم که دست های صهیونیستی در دنیای مسیحی و در اروپا، این کار را زمینه سازی می کنند. به چه دلیل باید اهانتی که در یک ماه و نیم یا دو ماه پیش در روزنامه یی و در یک کشوری درج شده، بعد از گذشت مدتی، باز مجدداً همان اهانت در کشورهای اروپای مرکزی و اروپای غربی، پی در پی چاپ شود؟! انگیزه ی این کار چیست؟ چه دستی در کار است؟ ملت های مسلمان بجا و به موقع عکس العمل نشان دادند و باید هم نشان بدهند. وجود مقدس خاتم الأنبیاء (صلی الله علیه وآله وسلم)، کانون همه ی عشق ها و محبت های دنیای اسلام است؛ محور و مرکز اتحاد و اتفاق و هماهنگی همه ی مذاهب اسلامی است و جا دارد که مسلمان ها از خودشان، حمیت و غیرت و عکس العمل نشان بدهند؛ اما همه بدانند که این تظاهرات، این خشم بجا و مقدسی که مسلمان ها دارند، علیه مسیحیان دنیا نیست، بلکه علیه دست های پنهان و خبیث صهیونیست هاست، که سیاستمداران دنیای سلطه را بازیچه ی خود دارند و مطبوعات و رسانه های فراوانی هم در اختیار آنهاست؛ همان هایی که امروز بر دولت کنونی امریکا به کلی حاکمند و در اروپا هم فعالیت می کنند. آنها وقتی در فلسطین ضربه خوردند و پیروزی حماس بر آنها سخت ترین شوک را وارد کرد، می خواهند آن شکست را این طوری علیه مسلمان ها جبران کنند، تا بلکه بتوانند آبروی ریخته ی در فلسطین را طور دیگری جبران کنند.

امریکایی ها رسماً اعلان کردند که هر گروهی در فلسطین مقابل حماس قرار بگیرد، حاضرند به آنها پول بدهند؛ و دادند، و امکان تبلیغاتی هم به آنها دادند؛ اما علی رغم آنها و به کوری چشم امریکا و صهیونیست های غاصب فلسطین، مبارزان حماس پیروز شدند. اگر امروز در هر جای دنیای اسلامی یک انتخابات آزاد برگزار شود، همین قضیه اتفاق خواهد افتاد و گروه مخالف امریکا رأی خواهند آورد؛ چون دل و عواطف مردم و میل سیاسی آنها، امروز این است.

امروز امریکا یک چهره ی بشدت زشت و منفور است؛ و نفرت از امریکا مخصوص ملت ما نیست. امروز امریکا در دل ها و در عواطف و در اراده ی مردم این منطقه صدرصد شکست خورده است؛ هر چند حالا هارت و هورتی بکنند، جنجالی راه بیندازند؛ اما وقتی پای عمل به میان بیاید و نوبت حضور ملت ها برسد، آن وقت معلوم خواهد شد که امریکا در این جا چه کاره است. اینها دچار تناقض هم هستند؛ از طرفی می گویند دمکراسی، از طرفی هر دمکراسی یی به وجود بیاید، به ضرر آنهاست؛ لذا با دمکراسی ها و با نتایج آن مخالفت می کنند و هر جا بتوانند، دست می برند؛ هر جا هم نتوانند، از دور سمپاشی می کنند.

ملت ایران با قدرت و خونسردی تمام، این منظره ی شگفت آور را نگاه می کند. ملت ما ثمرات عظیم انقلاب خودش



را در دنیای اسلام، یکی یکی می بیند؛ به چشم، میوه دهی این نهال را می بیند، که بعد از این، بیشتر هم خواهد شد. ملت ایران راه خود را با قدرت پیش رفته است و به فضل الهی، به حول و قوه ی الهی، بعد از این هم با قدرت پیش خواهد رفت؛ و ما یکی پس از دیگری، ارتفاعات و قله های عزت و افتخار را فتح خواهیم کرد؛ نه با جنگ و خونریزی، بلکه با صبر و استقامت و اراده ی محکم و تدبیر لازم؛ همچنان که تا امروز پیش رفته ایم و قله های زیادی را فتح کرده ایم.

ملت، وحدت خودش را باید حفظ کند؛ ایمان خودش را باید حفظ کند؛ عزم راسخ خودش را باید حفظ کند، که می کند. در راهپیمایی بیست و دو بهمن، ملت ایران به توفیق الهی، بار دیگر نشان خواهند داد که چه می گویند و چه می خواهند و عزم راسخ آنها متوجه به چیست. همه ی دنیا، چشمهایشان را باز کنند و بیست و دو بهمن امسال را هم مثل سال های قبل تماشا کنند.

تفضلات و هدایت الهی و دستگیری الهی، دستگیر ماست و بزرگ ترین کمک ماست؛ ما دل به توفیق الهی بسته ایم؛ تلاش را می کنیم، حرکت را انجام می دهیم؛ اما این حرکت ما، کالبد است؛ روح این کالبد، تفضل الهی و هدایت الهی و لطف الهی است. سعی کنید دل ها را آماده ی پذیرش این هدایت و لطف کنید. بخصوص به جوان های عزیز، فرزندان خودم در نیروی هوایی و در نقاط دیگر عرض می کنم که قدر دل های پاک و ضمیرهای روشن و صاف خودتان را بدانید و ارتباطتان را با خدا قوی کنید؛ از خدا بخواهید. و ان شاءالله دل ها را بیش از پیش به نور تفضل الهی روشن کنید؛ و خداوند ادعیه ی زاکیه ی حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) را شامل حال همه ی شما قرار بدهد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته